

وَكَانَ مِنْ دُعَايَهِ عَالِيَّةٍ فِي التَّضْرِعِ وَالْاسْتِكَانَةِ

دعای امام سجاد علیه السلام در تضرع و فروتنی

(۱) إِلَهِي أَحَمَدُكَ وَأَنْتَ لِلْحَمْدِ أَهْلٌ عَلَىٰ

(۱) خدایا! تو را سپاس می‌گزارم، و تو شایسته سپاسی. سپاس در برابر

حُسْنٍ صَنَيَّعَكَ إِلَيَّ، وَسُبُوغٍ نَعْمَائِكَ عَلَيَّ،

احسان نیکویت به من. و فراوانی نعمت‌هاییت بر من،

وَجَزِيلٍ عَطَايَكَ عِنْدِي، وَعَلَىٰ مَا فَضَّلْتَنِي

و عطای بزرگت نزد من. سپاس بر رحمت که به سبب آن مرا

بِهِ مِنْ رَحْمَتِكَ، وَأَسْبَغْتَ عَلَيَّ مِنْ نِعْمَتِكَ،

برتری بخشیدی، و بر نعمت که بر من سرشار و فراوان فرمودی، به

فَقَدِ اصْطَنَعْتَ عِنْدِي مَا يَعِجزُ عَنْهُ شُكْرِي،

اندازه‌ای به من خوبی کردی که سپاس و شکرم از آن عاجز است.

(۲) وَلَوْلَا إِحْسَانُكَ إِلَيَّ، وَسُبُوغٍ نَعْمَائِكَ عَلَيَّ،

(۲) و اگر احسانت نسبت به من نبود، و نعمت‌های سرشارت در سرزمین زندگی

ما بَلَغْتُ إِحْرَازَ حَظِّي، وَلَا إِصْلَاحَ نَفْسِي،

من نمی‌ریخت، نمی‌توانستم نصیب خود را از آن به دست آورم، و وجودم را

وَلِكِنَّكَ ابْتَدَأْتَنِي بِالإِحْسَانِ، وَرَزَقْتَنِي

اصلاح کنم. این تو بودی که بی‌مقدمه، احسانت را نسبت به من آغاز کردی



فِي أَمْوَارِي كُلِّهَا الْكِفَايَةُ، وَصَرَفَتْ عَنِّي جَهَدَ
وَكَفَايَتْ وَبِنِيَازِي در تمام کارهايم را روزی من کردی، و رنج و زحمت بلا
الْبَلَاءِ، وَمَنَعَتْ مِنِّي مَحْذُورَ الْقَضَاءِ.
را از من گرداندي، و قضای دهشتزا را از من منع کردی.

(۳) إِلَهِي فَكَمْ مِنْ بَلَاءٍ جَاهِدٌ قدْ صَرَفَتْ عَنِي!
(۳) خدای من! چه بسیار بلای جانکاه که از من گرداندی، و چه بسیار
وَكَمْ مِنْ نِعْمَةٍ سَابِغَةٍ أَقْرَرْتَ بِهَا عَيْنِي!
نعمت فراوانی که دیده ام را به آن روشن ساختی، و چه بسیار خوبی های
وَكَمْ مِنْ صَنْيَعَةٍ كَرِيمَةٍ لَكَ عِنْدِي! أَنْتَ الَّذِي
ارجمندی که از ناحیه تو نزد من است!! تویی که به وقت ناچاری و درماندگی،
أَجَبْتَ عِنْدَ الاضطِرَارِ دَعَوَتِي، وَأَقْلَتَ عِنْدَ
دعایم را اجابت کردی و به وقت افتادن در مهلکه گناه، از لغشم گذشتی،
الْعِثَارِ زَلَّتِي، وَأَخَذْتَ لِي مِنَ الْأَعْدَاءِ بِظُلْمَاتِي.
و حقوق ما که دشمنان به زور و ستم از من ربوده بودند، باستاندی.

(۴) إِلَهِي مَا وَجَدْتُكَ بَخِيلًا حِينَ سَأَلْتُكَ،
(۴) خدای من! هنگامی که در پیشگاهت به گدایی برخاستم، تو را بخیل
وَلَا مُنْقِضًا حِينَ أَرَدْتُكَ، بَلْ وَجَدْتُكَ لِدُعَائِي
نیافتم، و زمانی که آهنگ تو کردم، منقبض و گرفتهات ندیدم؛ بلکه تو
سَامِعًا، وَلَمَطَالِبِي مُعْطِيًّا، وَوَجَدْتُ نُعْمَالَكَ
را شنونده دعایم، و عطا کننده خواسته هایم یافتیم، و نعمت هایت را

عَلَى سَابِغَةً، فِي كُلِّ شَأْنٍ مِنْ شَأْنٍ، وَ كُلِّ زَمَانٍ مِنْ

در هر حالی از حالاتم و هر زمانی از زمانهایم، بر خود سرشار و کامل

زَمَانِيْ، فَأَنْتَ عِنْدِي مُحَمَّدٌ، وَ صَنِيعُكَ لَدَّيْ

مشاهده کردم. تو نزد من ستودهای، و خوبیت نزد من مورد سپاس

مَبْرُورٌ.

و شکر است.



﴿٥﴾ تَحْمَدُكَ نَفْسِي وَ لِسَانِي وَ عَقْلِي، حَمْدًا

(۵) جان و زبان و عقل من تو را می‌ستایند؛ ستایشی که بر عرصه کمال و

يَبْلُغُ الْوَفَاءَ، وَ حَقِيقَةَ الشُّكْرِ، حَمْدًا يَكُونُ مَبْلَغَ

حقیقت شکر بررسد؛ ستایشی که در قلهٔ نهایت خشنودی تو از من باشد.

رِضَاكَ عَنِّي؛ فَنَجِّنِي مِنْ سَخَطِكَ؛ ﴿٦﴾ يَا كَهْفِي

پس مرا از خشمت نجات ۵۵. (۶) ای پناه من در زمانی که راههای

حَيْنَ تُعَيِّنِي المَذَاهِبُ، وَ يَا مُقْيِلِي عَثَرَتِي،

گوناگون و بِيرْبِطِي مرا خسته می‌کند و به زحمت می‌اندازد. ای گذشت

فَلَوْلَا سَرْتُكَ عَوْرَتِي لَكُنْتُ مِنَ الْمَفْضُوحِينَ؛

کتنده از لغزش‌هایم، اگر عیب پوشی تو نبود، از رسوا شدگان بودم،

وَ يَا مُؤَيِّدِي بِالنَّصْرِ، فَلَوْلَا نَصْرُكَ إِيَّاَيَ لَكُنْتُ

ای توانایی دهنده من به نصرت و یاری، اگر یاری تو نبود از شکست

مِنَ الْمَغْلُوبِينَ؛ وَ يَا مَنَ وَضَعَتْ لَهُ الْمُلُوكُ نِيرَ

خورده‌گان بودم. ای که پادشاهان یوغ ذلت و خواری را در پیشگاهش

الْمَذَلَّةُ عَلٰى أَعْنَاقِهَا، فَهُمْ مِنْ سَطْوَاتِهِ خَائِفُونَ،
به گردن نهاده اند، و از عذابها و عقاب هایشان ترسانند! ای اهل
وَ يَا أَهْلَ التَّقْوَىٰ، وَ يَا مَنْ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ،
تقوا! ای که نامهای نیکو برای اوست! از تو می خواهم که از من
أَسْأَلُكَ أَنْ تَعْفُوَ عَنِّي، وَ تَغْفِرْ لِي، فَلَسْتُ بَرِئًا
بگذری و مرا بیامزی. بی گناه نیستم تا معذور باشم. نیرومند
فَأَعْتَذِرَ، وَ لَا يُذِي قُوَّةً فَاتَّصِرَ، وَ لَا مَفَرِّلَ
نیستم، تا پیروزی به دست آورم. گریزگاهی ندارم، تا بگریزم.
فَأَفِرَّ، وَ أَسْتَقِيلُكَ عَثَرَاتِي، وَ أَتَنَصَّلُ إِلَيْكَ
گذشت از لغزش هایم را از تو می خواهم؛ از گناهانی که مرا به ذلت و
مِنْ ذُنُوبِ الَّتِي قَدْ أَوْبَقْتَنِي، وَ أَحاطَتْ بِي
خواری نشانده و سر اپایم را گرفته و به عرصه هلاکت در آورده،
فَأَهْلَكَتْنِي.

بیزاری می جویم.

﴿٧﴾ مِنْهَا فَرَرْتُ إِلَيْكَ - رَبِّ - تَائِبًا فَتُبَّ عَلَىَّ ،
(۷) پروردگار! از تمام گناهانم در حال توبه و انبابه به جانب تو گریختم؛
مُتَعَوِّذًا فَأَعِذْنِي، مُسْتَجِيرًا فَلَا تَخْذُلْنِي، سَائِلًا
پس توبه ام را بپذیر. پناهنده ام! پناهم ده. امان می خواهم، واگذار نکن.
فَلَا تَحْرِمْنِي ، مُعْتَصِمًا فَلَا تُسْلِمْنِي ، داعِيًا
گدایم، محروم مفرما. دست به دامانم، رهایم مکن. خواهنده ام، نومیدم

فَلَا تَرْدَنِي خَائِبًا.

برمگردان.

﴿٨﴾ دَعَوْتَكَ يَارَبِّ مِسْكِينًا مُسْتَكِينًا، مُشْفِقًا

(۸) ای پروردگارم! در حالی که مسکین، درمانده، هراسناک، بیمناک، ترسناک،

خَائِفًا وَجِلًا، فَقِيرًا مُضطَرًّا إِلَيْكَ.

تهییدست، و مضطر به درگاه توام، تو را می خوانم.

﴿٩﴾ أَشْكُوكَ إِلَيْكَ يَا إِلَهِي. ضَعْفَ نَفْسِي، عَنِ

(۹) ای خدای من! از ناتوانی وجودم، میتوانم نسبت به آنچه

الْمُسَارِعَةِ فِيمَا وَعَدْتَهُ أَوْلِيَاءَكَ، وَ الْمُجَانِبَةِ

به دوستانت و عده دادی شتاب و رزم، و از آنچه دشمنانت را از

عَمَّا حَذَرَتِهِ أَعْدَاءَكَ، وَ كَثْرَةَ هُمُومِي،

آن برحدزr داشتی، دوری کنم، و از اندوه زیادم و وسوسه نفسم،

وَوَسْوَسَةَ نَفْسِي.

به تو شکایت می کنم.



﴿١٠﴾ إِلَهِي لَمْ تَفْضِحْنِي سَرِيرَتِي، وَلَمْ تُهْلِكْنِي

(۱۰) خدای من! به خاطر رشتی باطنم رسوایم ممکن، و به گناهم هلاکم مساز.

بِجَرِيرَتِي؛ أَدْعُوكَ فَتَجْبِينِي، وَإِنْ كُنْتُ بَطَيْئًا

تو را می خوانم و تو مرا اجبات می کنی؛ گرچه هنگامی که تو مرا می خوانی،

حِينَ تَدْعُونِي، وَأَسَأْلُكَ كُلَّ مَا شِئْتُ مِنِ

در اجبات کندي می کنم. هر حاجتی که دارم، از تو می طلبم و هر کجا و در

حَوَائِجِي، وَحَيْثُ مَا كُنْتُ وَضَعْتُ عِنْدَكَ
هر موقعیتی که باشم، رازم را به تو می‌سپارم. غیر تو کسی را نمی‌خوانم، و به
سِرّی، فَلَا أَدْعُوكَ، وَلَا أَرْجُو غَيْرَكَ.
احدی جز تو امید ندارم.

(۱۱) لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ، تَسْمَعُ مَنْ شَكَّا إِلَيْكَ، وَتَلْقَى
منْ تَوَكَّلَ عَلَيْكَ، وَتُخْلِصُ مَنْ اعْتَصَمَ بِكَ،
وبه آن که به حضرت اعتماد کندرو می‌کنی، و هر که به دامان رحمت در آویزد، از
وَتُفَرِّجُ عَمَّنْ لَا ذِيَكَ،
ناراحتی و رنج خلاصش می‌کنی، و هر که به توپناه آورد، غم و اندوهش را بر طرف می‌کنی.

(۱۲) إِلَهِي فَلَا تَحْرِمْنِي خَيْرَ الْآخِرَةِ وَالْأُولَى
(۱۲) خدای من! به خاطر کمی شکرم از خیر آخرت و
لِقْلَةِ شُكْرِي، وَاغْفِرْ لِي مَا تَعْلَمْ مِنْ ذُنُوبِي؛ إِنْ
دنیا محروم مکن و گناهانی که از من خبر داری بیامرز.
تَعْذِيبٌ فَإِنَّا الظَّالِمُونَ الْمُفَرِّطُونَ، الْمُضَيِّعُونَ الْآثِمُونَ،
اگر مرا عذاب کنی، من همان ستمکار، مقصّ، ضایع کننده، گناهکار،
الْمُقْصِرُونَ الْمُضَاجِعُونَ، الْمُغْفِلُونَ حَظَّ نَفْسِي،
کوتاهی کننده، سست رأی، و ساده لوح و کودن نسبت به نصیب و بهره خویشم
وَإِنْ تَغْفِرْ فَإِنَّ أَرَحَمَ الرَّاحِمِينَ.
و اگر مرا بیامرزی، تو مهربان ترین مهربانانی!